

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه اخلاص

استاد ضرابی مرداد ۱۳۹۹

جلسه ششم

آیه شریفه: «و لم یکن له کفو احدا»

«کفو» در اصل «کفو» بوده که در قرائت حفص از عاصم، همزه آن از باب سهولت، واو خوانده می‌شود در هر دو صورت، به معنای مثل و مانند (تساوی دو امر) می‌باشد (معجم المقاییس اللغة ۵ / ۱۸۹)

آیه چنین ترجمه می‌شود: (و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است!) معادل این معنا را در آیه شریفه: لیس کمثله شیء (شوری / ۱۱) می‌خوانیم (هیچ چیز همانند او نیست)

أمیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: «و لَا کُفُوَ لَهُ فِیْکَافِیَهِ» هم‌شائی او را نباشد که هم‌شائی کند. (تفسیر اهل البیت علیهم السلام ج ۱۸ ص ۴۹۲ نورالثقلین)
امام صادق (علیه السلام) فرمود: «و لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًّا أَحَدٌ أَى لَیْسَ لَهُ کُفُوٌّ وَلَا نَظِیرُ» - یعنی هیچ کس در هیچ زمینه‌ای شریک و همتای او نیست. «(بحار الانوار ج ۸۲ ص ۵۲)

اصولا چون وجود یک مصداق بیشتر ندارد و مخلوقات جلوه‌ها و نمودهایی از اسماء و صفات او در مجالی مختلف هستند بنابراین جایی برای غیر او باقی نمی‌ماند.

تجلی گه خود کرد خدا دیده ما را در این دیده بیائید ببینید خدا را
اساسا غیر وجود، عدم است. پس نه شریک و همتایی برای خداوند است و نه ضدی و مثلی.

عنوان: ویژگیهای آخرین آیه در سوره

در باره آخرین آیه در سوره‌های قرآن قبلا گفته شد که: همه آنچه که در مجموع آیات یک سوره آمده، بطور خلاصه در آیه آخر وجود دارد؛ مثل اولین آیه در هر سوره قرآن کریم که همه مطالب سوره را در خود به صورت اجمال دارد. بلکه

اولین کلمه در هر سوره و آخرین کلمه در سوره این خاصیت را دارد . و این برای ما یک تمرین است، تمرین بازگشت از کثرت به وحدت و محو شدن در نقطه‌ای که آن نقطه در هدفی بالاتر از خود فانی است. و به همین ترتیب... باید دائماً تمرین کنیم از همه چیز و همه کس عبور کنیم و از دنیا و آخرت گذر کنیم و به خداوندی که خالق همه چیز است برسیم و با چشم قلب او را در ظاهر و باطن همه چیز ببینیم . وقتی از پلکان همه موجودات عالم امکان بالا رفتیم (از نظر مرتبه و عظمت) و همه را که از جنس فقر و نیازند، سکوی پرواز به سوی بی‌نیاز قرار دادیم. به او می‌رسیم که « ولم یکن له کفوا احد » است،
 آینه دل چو شود صافی و پاک نقشها ببند بیرون از آب و خاک
 هم ببیند نقش و هم نقاش را فرش دولت را و هم فراش را
 فقر مطلق هم‌کفو غنای مطلق نیست اما آئینه او هست. در آئینه نیاز مطلق است که می‌توان بی‌نیاز مطلق را دید.

دلی‌کز معرفت نور و صفا دید به هر چیزی که دید اول خدا دید
 او که نیازی به ستودن ما ندارد تا او را به « ولم یکن له کفوا احد » بستاییم. باید دریافت که با این تعبیر خاص، چه تربیتی برای بنده‌اش خواسته است؟
 در واقع انسان در معرض تجلیات بی‌همتایی و بی‌مانندی او قرار می‌گیرد. او خواسته است با تعبیر « ولم یکن له کفوا احد » انسان را به عالیت‌ترین مرتبه اوج کمال خود توجه بدهد که همان مقام شامخ وجود نازنین پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم است.

او را پیش چشم جهانیان قرار داده که مظهر بی‌همتایی خداوند در میان مخلوقات است و می‌خواهد که به او اقتدا کنیم و همان راهی را برویم که او پیموده تا با او باشیم، و این همه، حاصل نمی‌شود مگر با مشق توحید و پیمودن راه انبیاء و اولیاء علیهم السلام. پس مقصود او ستایش خود نیست مصلحت او به تربیت بندگان برمی‌گردد .

ز احمد تا احد يك «میم» فرق است جهانی اندر این يك «میم» غرق است
 پیمودن مراتب توحید و رسیدن به غایت آن، همان راهی است که ناله مولایمان علی علیه السلام را درآورده: « آه من قلة الزاد و طول الطريق » (نهج البلاغه، حکمت ۷۷)

معلوم است که در سفر معنوی بعد مسافت منظور نیست چه اینکه در میان بنده و خدا بعد مسافتی نیست. « هو معکم اینما کنتم » (حدید/۴) پس به مرتبت و مقام باید دامن‌کشان از تعلق به دیار فانی عبور کرد و منازل را یکی بعد از دیگری پشت

سر گذاشت. و خود را به رسول خدا نزدیک کرد کسی که سر حلقه عالم امکان را به وجود نامحدود خدا پیوند می‌دهد کسی که در وصفش گفته می‌شود:
دو سر حلقه هستی بحقیقت تو به هم پیوستی

عنوان: هفت شهر عشق

گفته شد خداوند نیازی به ستودن ما ندارد که او را به « ولم یکن له کفوا احد » بستاییم. باید دریافت که چه تربیتی برای بنده‌اش خواسته است؟ در واقع انسان در معرض تجلیات بی‌همتایی و بی‌مانندی او قرار می‌گیرد. او خواسته است با تعبیر « ولم یکن له کفوا احد » انسان را به عالیترین مرتبه اوج کمال خود توجه بدهد که همان مقام شامخ وجود نازنین پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم است.

در مناجات شعبانیه می‌خوانیم: « الهی هب لی کمال الانقطاع الیک و أنر أبصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک حتی تخرق أبصار القلوب حجب النور فتصل إلی معدن العظمه و تصیر ارواحنا معلقة بعزّ قدسک. »

حکایت این سفر روحانی حکایت هفت شهر عشق است که عطار سروده :

هفت شهر عشق را عطار گشت ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم

در این حکایت، محبوب ازلی برای ما نامه‌ای فرستاده که : من باغی ساختم در هفت مرحله، مرحله اول آن را آنچنان زیبا ساختم که فوق تصور شماست. در عین حال مرحله دوم آن هزاران برابر زیباتر است و مرحله سوم هزاران بار برابر زیباتر و به همین ترتیب تا هفت مرحله، شما را دعوت می‌کنم تا در بالاترین مرحله میهمان من باشید. ما جمع دوستان به قدرت اندیشه و ادراکمان پر می‌کشیم تا به نزدیکی دروازه‌های این باغ تا از آن دیدن کنیم. دق الباب می‌کنیم. هنوز دروازه‌های باغ را کاملاً نگشوده‌اند که تعدادی از جمع دوستانمان از شدت جاذبه‌هایی که مشاهده کرده‌اند، از خود بی‌خود شده، خود را در آغوش زیباییهای آن افکنده، شروع به گرفتن کام دل می‌کنند. دوستانشان فریاد می‌زنند اینجا نمانید، قرار مرکز باغ است. اما انسان را چه می‌شود که وقتی دلش در جایی مشغول است دیگر نه فریاد دوستانش را می‌شنود و نه رفتن آنها را می‌بیند؟ به مرحله دوم می‌رسیم که هزاران بار زیباتر از مرحله اول است. تعداد دیگری از دوستانمان پای رفتن‌شان سست می‌شود و آنچنان مجذوب می‌شوند که نمی‌توانند از این زیبایی‌ها چشم بردارند، آنها هم فریاد دوستانشان و رفتن آنها را

نمی‌شنوند به همین ترتیب ادامه می‌یابد، در نهایت تعداد اندکی به مرکز باغ می‌رسند و در نزد صاحب باغ پذیرایی می‌شوند.
این زبان حکایت، همان هفت شهر عشق عطار است که نسبت عوالم وجود را بیان می‌کند و اولین منزل آن دنیا است.

اما سؤال این است که : مگر تفاوت این افراد در چیست که بعضی مستحق نعمت‌های دم در باغ اند و برخی مستحق مرکز باغ؟ یک جواب این است که همت ها متفاوت است:

طالب چشمه خورشید درخشان نشود	ذره را تا نبود همت عالی حافظ
ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود	گوهر پاک بپاید که شود لایق فیض
امام خمینی (ره) می‌فرماید: تعبیر «انقطاع» را در مناجات شعبانیه جواب کامل‌تری می‌داند. انقطاع به معنای قدرت دل‌کندن، گذاشتن و گذشتن.	
این است که برخی از ما دم در باغ توقف می‌کنیم. انسان تا از جاذبه‌های مرحله اول دل نکند، نمی‌تواند به مرحله بعد وارد شود.	

چونت صبر است از دوست چون	ای که صبرت نیست از دنیای دون
نایدش دری از این دریا بدست	هر که او از خود بکلی وانرست
در پایان دعا می‌کنیم :	

آن شیر خدا و بر جهان جل جلال	یا رب به علی بن ابی طالب و آل
اندر دم نزع و قبر و هنگام سؤال	کاندر سه مکان رسی بفریاد همه

عنوان: تطبیق سوره توحید بر وجود مبارک امیرالمومنین علی علیه السلام

ابن عباس نقل می‌کند: رسول اکرم (ص) به حضرت علی (ع) فرمود:
«ای علی! منزلت تو در بین مردم، منزلت "قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ" در قرآن کریم است که هر کس یک مرتبه آن را بخواند، مانند قرائت یک سوم قرآن است و هر کس دو مرتبه آن را تلاوت نماید به منزله دو سوم قرآن است و هر کس سه مرتبه بخواند، گویا تمام قرآن را قرائت کرده است. همچنین هر کس به زبان، تو را دوست داشته باشد، یک سوم اسلام را دوست دارد و آن‌کس که با زبان و قلبش، تو را دوست داشته باشد، دو سوم اسلام را دوست دارد و هر کس با زبان و قلب و دست‌هایش تو را دوست بدارد و به فرمانت با دشمنان اسلام بجنگد، دوستیش نسبت به اسلام تمام و به همه آن دست یافته است. به حق آن‌کس که مرا به رسالت برانگیخته، سوگند یاد می‌کنم که اگر اهل زمین، همانند اهل آسمان، تو را دوست داشته باشند، خداوند کسی از آنها را به آتش عذاب نمی‌کند» (علامه حلی، حسن بن

یوسف، کشف الیقین فی فضائل أمير المؤمنين(ع)، محقق، درگاہی، حسین، ص ۲۹۷ - ۲۹۸، تهران، وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۴۱۱ق؛ استرآبادی، علی، تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، محقق، استاد ولی، حسین، ص ۸۲۳، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۸۸، تهران، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق).